■ سال بیست‌وهشتم ■ شماره ۷۹۲۷ ■ پنجشنبه ■ ۱۹ خرداد ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه همشهری ۲
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۳ | اذان مغرب ۲۰/۴۰ | نیمه شب شرعی ۰/۰۰ | اذان صبح فردا ۴/۰۲ | طلوع آفتاب فردا ۵/۴۸

سخن روز

امام رضا(ع):
نزدیکترین شما به من از نظر مقام در روز قیامت، کسی است که در مورد خانواده خودخوش‌رفتار باشد.
صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص:۶۷

محمد خزائی: ما به وجود سینماگران متعهد و دلسوز در همه عرصه‌ها نیاز داریم

حتی در جهان امروز که با رشد سریع تکنولوژی‌های مدرن مواجه هستیم، نقش مؤثر سینماگران در تولید محتوای صوتی و تصویری را نباید دست‌کم بگیریم. غرب با بهره‌گیری از همین ابزار در حال گسترش فرهنگ سلطه‌گری خود است.

ما به وجود سینماگران متعهد و دلسوز در همه عرصه‌ها نیاز داریم. در این زمینه برای تأمین محتوای مدیاهای جدید به پلتفرم‌ها و شبکه‌های خانگی و وبسری‌ها و برای تقویت زیرساخت‌های تمدنی به آثار و عصاره تلاش‌های سینماگران و هنرمندان‌مان نیاز داریم. اکثریت خانواده سینمای ایران به‌عنوان سرمایه‌های ارزشمند انسانی و اجتماعی، در خدمت منافع ملی و رشد فرهنگ عمومی حرکت می‌کنند.

بخشی از سخنان رئیس سازمان سینمایی در دیدار با آیت‌الله‌حسینی‌بوشهری امام‌جمعه قم و دبیر شورای‌عالی حوزه‌های علمیه/مهر

لشکر شیطان به کمین منند
بی کسم ای شاه پناهم بده
از صف مژگان نگهی کن به من
با نظری یار و سپاهم بده

شاعر
محمد علی کریمخانی

نـــگاره
فرهاد آرام‌راد

اندوه ریل‌ها

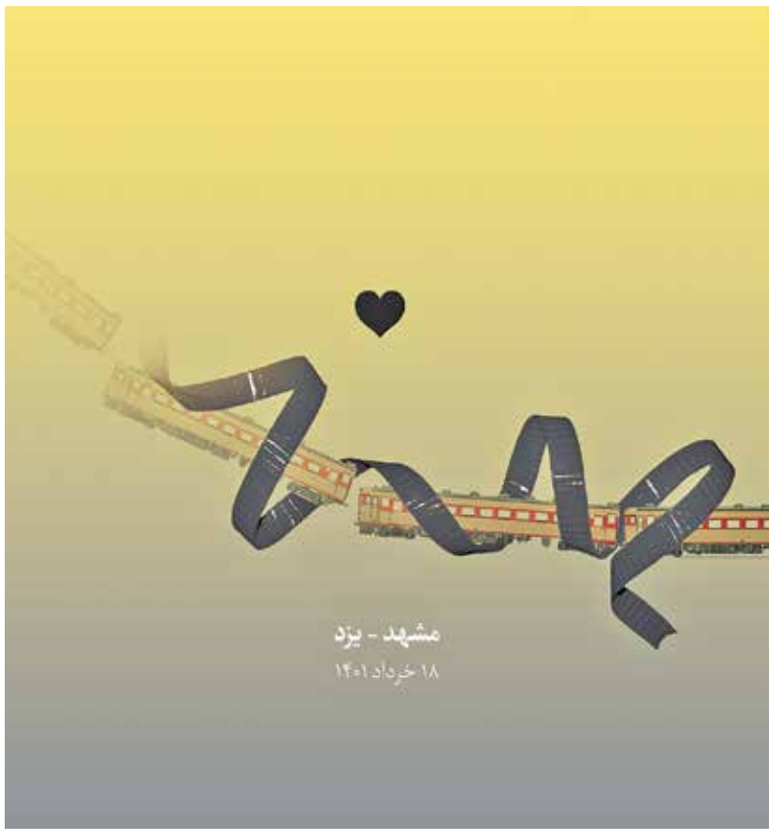

هنرمندان در فضای مجازی

این روزها هنرمندان در فضای مجازی علاوه‌بر معرفی آثار تازه خود، از دغدغه‌هایشان گفته‌اند و برخی از مرارت‌ها و سختی‌هایی که یک هنرمند واقعی در زندگی می‌تواند متحمل شود نوشته‌اند. مروری کنیم بر صفحات مجازی هنرمندان و ببینیم از چه حرف زده‌اند.

■ **سینمایی‌ها**

مهتاب کرامتی بازیگر سینما که به تازگی کتاب عالیه عطایی به نام «چشم سگ» را صوتی کرده خبر از برگزاری رونمایی این اثر صوتی داده و نوشته: رادیو گوشه همراه با نشر چشمه و کافه گالری باروک آیین رونمایی از کتاب صوتی «چشم سگ» را برگزار می‌کند. ما کنار هم آمده‌ایم به هوای کلمات، به هوای داستان، به هوای گفتن از اصالتی که آدمی به ارث می‌برد و هویتی که بعدتر خودش در سرزمینی دگر می‌سازد.ما کنار هم آمدیم تا به گواه داستان بگوییم: «هیچ کس به میل درِ خانه‌اش را نمی‌بندد» از بلخ و هرات و سمرقند و کابل تا تهران. با خوانش مهتاب کرامتی و به قلم عالیه عطایی.»

محسن کیایی بازیگر سینما و تلویزیون هم خبر از اکران فیلم «بی‌صدا حلزون» داده و نوشته: «این فیلم ۲۵ خرداد ماه به سرگروهی «پردیس مگامال» اکران خود را در سینماهای سراسر کشور آغاز خواهد کرد. بی‌صدا حلزون به کارگردانی «بهرنگ دزفولی‌زاده» و تهیه‌کنندگی «مرتضی شایسته» در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر نامزد بهترین کارگردانی فیلم اول شد و به‌دلیل سوژه خاص اجتماعی آن مورد تحسین منتقدان قرار گرفت. گروه بازیگران اصلی فیلم را هانیه توسلی، مهران احمدی، پدرام شریفی و محسن کیایی با حضور علیرضا جلالی‌تبار و بهنوش بختیاری تشکیل می‌دهند. بی‌صدا حلزون به قصه‌ای عاشقانه درباره یک رابطه تابوشکن می‌پردازد.»

حمیدرضا نعیمی بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون در اینستاگرام خود متنی از مرحوم دکتر رضا بابایی منتشر کرده به اسم ملت‌های عینکی که بخشی از این یادداشت چنین است: سال‌ها پیش یکی از دانشجویان کارشناسی ارشد، در بخشی از پایان‌نامه‌اش ثابت کرده بود که علاقه ایرانیان به ادبیات، بیش از علاقه آنان به فلسفه و ریاضیات است؛ برعکس بسیاری از ملل دنیا، مانند آلمانی‌ها. به او پیشنهاد کردم که در فصلی از پایان‌نامه‌اش، این رابطه معکوس را تحلیل کند و توضیح دهد که چرا میل به شعر و شاعری، معمولاً بی‌رغبتی به علوم پایه را در پی دارد و به‌عکس. به او گفتم: اقتضای ریاضیات، دقت و باریک‌بینی است اما ادبیات، تعهدی به دقت‌های ریاضی‌وار ندارد. بنابراین به طور معمول، آدم ادبیاتی از عهده تفکر ریاضی برنمی‌آید و آدم ریاضیاتی، نازک‌خیالی‌های ادبیات را ندارد. این تفاوت، ریاضیات را برتر یا فروتر از ادبیات نمی‌نشاند؛ اگرچه گرایش به هر یک، در سرنوشت ملت‌ها بی‌تأثیر نیست.

■ **تئاتری‌ها**

رضا بهبودی بازیگر سینما و تئاتر و تلویزیون هم از بازی در نمایش باغ به کارگردانی حسن معجونی نوشت: «می‌دونی من کجا فهمیدم عاشق وطنمم؟ تو واگن قطار. اینقدر گریه کردم که هیچ جا رو نتونستم ببینم. «باغ» اثر گروه تئاتر «لیو» فروش بلیت در سایت تیوال، طراح و کارگردان: حسن معجونی. بازیگران به ترتیب حروف الفبا وحید آقاپور، برنا انصاری، رضا بهبودی، داوود پژمان فر، مهسا جمشیدی، هدیه حسینی‌نژاد، مازیار سیدی، آوا شریفی، کتایون طلایی، زینب عباسی، هومن کیایی، فرزانه میدانی.»

سجاد افشاریان بازیگر و کارگردان تئاتر هم در پستی اینستاگرامی در توضیح عکسی نوشت: برای من تعریف بخش مهمی از بازیگری همواره با جهان‌هایی همچون عشق و رنج و ازخودگذشتگی فهم شده است. بسان شعری از امیلی دیکنسون: بهای هر لحظه وجد را باید با رنج درون پرداخت/ به نسبتی سخت و لرزآور/ به میزان آن وجد/ بهای هر ساعت دلپذیر را با سختی دلگزای سال ها/ پشیزهای تلخ و پر رشک/ و خزانه‌های سرشار اشک.»

امین زندگانی بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون ویدیویی از بازی‌اش در نمایش پروین به کارگردانی حسین کیانی منتشر کرده و در توضیح آن نوشته: «باورکنید سرکار خانم پروین خانم، اگر بپذیرید این عشقِ حقیر اما ناب و بی‌ریای آرشاک بیچاره را، آن‌وقت من هم، از هیچ تهدیدی نخواهم ترسید و حاضر خواهم شد از همه چیز خودم برای خوشبخت شدن شما بگذرم. نویسنده و کارگردان: حسین کیانی، بازیگران: نرگس محمدی، امین زندگانی، مهران‌رنج‌بر، مجید رحمتی، سیدجواد یحیوی، جواد مولانیا، مریم ندایی، آتنا تندرو، سهیل ملکی، فربد غفاری و اکرم محمدی با حضور هوشنگ قوانلو.کاری از گروه تئاتر ملی چریکه.»

به بهانه بیست خردادماه روز ملی فرش دستباف

ارج نهادن به هنر اصیل ایرانی

یادداشت

سهیل بیگدلی
فعال حوزه فرش

نخ‌های رنگی روی تارهای سپیدرنگ به زیبایی هر چه تمام گره می‌خورند و دستبافته‌ای چشم‌نواز با هنرمندی زنان ایرانی خلق می‌شود. این هنر چندهزار ساله برایش تولدی گرفته نشده ولی با وضعیتی که گریبانگیرش شده و دست و پنجه نرم می‌کند هر روز برایش مویه و شیون سر می‌دهند. فرش ایران که قرن‌هاست هنر و اصالتش در سراسر جهان گسترده شده در زادگاهش گاهی آنچنان غریب و مهجور می‌شود که دل دوستدارانش را به درد می‌آورد. چند دهه‌ای می‌شود که برای نامگذاری روزی به نام روز ملی فرش در تقویم کشورمان تلاش‌های جسته و گریخته‌ای صورت می‌گیرد ولی این آرزو هیچگاه تحقق پیدا نکرد و اکنون همزمان با روز جهانی صنایع دستی و با تصمیم شورای فرهنگ عمومی کشور قرار است روز ۲۰ خردادماه به‌عنوان روز ملی فرش نامگذاری شود. به گفته برخی از صاحب‌نظران حوزه فرش مناسب‌ترین تاریخ برای نامگذاری روز ملی فرش روز کشف قالی پازیریک از سوی باستان‌شناس معروف «سرگئی رودنکو» است ولی به اجماع نرسیدن اهالی فرش برای تعیین روزی به‌عنوان گرامیداشت این هنر تاریخی و اصیل موجب شد شورای فرهنگ عمومی کشور بنابر درخواست‌های دوستداران فرش، همزمان با روز جهانی صنایع دستی این روز را به‌عنوان روز ملی فرش انتخاب کند؛ اتفاقی فرخنده برای ارج نهادن به این هنر اصیل ایرانی. اما به این سؤال باید پاسخ داد چرا باید روزی به‌عنوان روز ملی فرش نامگذاری شود؟ برای پاسخ به این سؤال باید کمی به پیشینه زیراندازبافی در زادگاهش بپردازیم. قالی ایرانی با توجه به شواهد کشف شده از سوی حفاری‌های باستان‌شناسان در کشور قدمتی دست‌کم ۷ هزار ساله دارد. ساکنان ایران در هزاره‌های گذشته به تکنیک‌هایی همچون ریسیدن الیاف و نخ، اختراع دار و دوک، بافت به روش بوریا، حلقه بافت، پیچ‌بافت، یک سویه و دوسویه دست یافته بودند. قالی پازیریک که قدمتی دست‌کم ۲۵۰۰ ساله دارد، نشان از تکامل قالیبافی در ایران دارد. قالی پازیریک که سال ۱۹۴۷ در گوردخمه‌های دره پازیریک در ابتدای رشته کوه‌های آلتای در محدوده کشور روسیه کشف شد مساحتی تقریباً ۴ متر مربع دارد که در بافت آن از یک میلیون و ۲۵۰ هزار گره بهره برده شده است. نقشمایه‌های آن همچون شیر و گوزن شاخ پهن، درفش کاویانی نشان از ایرانی بودن آن دارد. باید گفت آوازه فرش ایرانی فقط به قالی پازیریک ختم نمی‌شود بلکه فرش‌های به جا مانده از دوران صفویان همچون قالی پولنزی در موزه کیلوند امریکا، قالی سالتینگ در موزه‌های مختلف و البته مشهور جهان، قالی مشهور اردبیل در موزه فرش ویکتوریا و آلبرت لندن و سایر نمونه‌های با ارزش در موزه‌های کشورهای دیگر مبین این موضوع است که قالیبافی ایران همیشه در اوج بوده است. اهدای فرش‌های باارزش به پادشاهان عثمانی و پادشاهان اروپایی، اهدای فرش‌های نفیس از نخ نقره و طلا به آستان مقدس نجف و کربلا در زمان حکومت صفویان و قاجارها نشان از اوج این هنر در تاریخ ایران و جهان است. حال پس از چندین دهه قرار است فرش ایرانی روز ملی داشته باشد تا همچون چند هزار سال گذشته همچنان در تاریخ باقی و مایه فخر ایرانیان باشد.

توجه و تمرکز با هنر عکاسی قدیم

هنر و روان

شهره طاعتی
مددکار اجتماعی

عکس‌ها همیشه در ثبت خاطرات و حال و هوای لحظات نقش‌های مهمی را ایفا کرده‌اند به همین خاطر است که عکاسان را در دوران چندان قدیم قبل از حضور و بروز دوربین‌های همراه همیشه جزء افراد هنرمند زندگیمان می‌دانستیم. به‌واقع عکاسی کردن دارای فنون و مهارت‌های تخصصی است ولی برای مردم ثبت لحظات که بیشتر لحظه‌های خوب و خوش خود را ضبط و نگهداری می‌کردند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. اگر عکاسی دهه‌های ۵۰ و ۶۰ را مورد توجه قرار دهیم می‌بینیم که فرایندی بس جالب و هنرمندانه داشته که در آن رفتارهایی مانند همدلی، همراهی، صمیمیت، خوشی و غیره ایجاد می‌گردید.

سؤال این است که چگونه این اتفاق رقم می‌خورد؟ توضیح می‌دهیم.

به طور مثال در سال‌های دور که نه همین ده بیست سال پیش حتی چند سالی از دهه ۷۰ هر لحظه و هر زمان از خود و اطرافیان و طبیعت عکس نمی‌گرفتیم بلکه برای ثبت لحظاتمان یک میهمانی یا گردش در طبیعت ترتیب می‌دادیم و در این میهمانی‌ها دوستان و اقوام دور هم جمع می‌شدند و ساعت‌ها در کنار هم به صحبت، گفت و شنود و خاطرات می‌نشستند. در خلال این دورهمی‌ها از احوالات هم باخبر می‌شدند و اگر کسی گرفتاری یا ناراحتی داشت همگی سعی بر برطرف کردن آن داشتند ؛ با کمک یکدیگر غذا مهیا می‌کردند و اوقات خوشی را در کنار هم می‌گذراندند اگر در طبیعت قراری می‌گذاشتند همان انرژی موجود در گروه شاد و صمیمیت و همدلی شان علاوه‌بر خود به طبیعت نیز منتقل می‌شد در تمام طول این میهمانی‌ها و گردش‌ها دوربین عکاسی و فرد عکاس به ثبت لحظات و طبیعت خانواده صمیمیت و..... می‌پرداختند. عکاسی در آن دوران اثرات مثبت دیگری نیز داشت که خوب دیدن و افزایش تمرکز را می‌توان از آن دسته شمرد. در آن زمان‌ها دقت در عکاسی بسیار حائزاهمیت بود و این خود نشان از هنرمندانه بودن این مدل ثبت خاطرات دارد زیرا دوربین‌های قدیمی با فیلم‌های نگاتیو عکاسی می‌کردند وچون تعداد نگاتیوها محدود بود به همین خاطر فرد عکاس و افراد داخل عکس سعی می‌کردند به طریقی موقعیت و چهره را برای ثبت آن لحظه انتخاب کنند که نیاز به تکرار چندین باره عکس نداشته باشند، این دقت در انتخاب هم روی تمرکز آنها کار می‌کرد و هم توجه و دیده شدن جزئیات را در افراد افزایش می‌داد چیزی که در حال حاضر و از زمان ورود دوربین‌های مجازی و همراه بسیار کمرنگ شده است زیرا بدون محدودیت و صرف هزینه می‌توانند با کمترین دقت و عدم تمرکز کافی عکس‌های بسیاری بگیرند و در صورت دوست نداشتن آنها یا نبود فضای مناسب در عکس، آنها را حذف کنند. این براحتی حذف کردن‌ها باعث پایین آمدن توجه و تمرکز و همچنین ناچیز انگاری و عادی انگاری هنری به این عظمت و زیبایی در نزد عموم شده است.

باید دید و دوباره خواند

پیشنهاد

آرین وزیر دفتری
کارگردان

مدام نوشتن این چند خط را به تعویق می‌اندازم. انگار اینها را من نوشته و ساخته باشم و حالا باید عزیز دردانه‌ام را از بین‌شان برای پیشنهاد دادن انتخاب کنم! نمی‌دانم چه حکمتی است که آدم از جایی به بعد این‌چنین روی خوانده‌ها و دیده‌هایش متعصب می‌شود و در زمان نوشتن چنین مطلبی است که می‌فهمی انتخاب بهترین‌ها برای پیشنهاد دادن حقیقتاً سخت و پیچیده است. به هرحال اینها پیشنهادهای من است در احوالات این روزهایم.

می‌گویند «سلاخ‌خانه شماره پنج» تجربه زیسته «کورت ونه‌گات» است. سلاخ‌خانه را باید خواند و دوباره خواند و امیدوار بود یادآوری سرنوشتِ شوم شهر «درسدن» در پایان جنگ دوم عبرت‌آموز باشد و هر بار انگشت بَر دهان ماند از کتابی که نویسنده‌اش بعد از هر مرگ کوچک و بزرگی طنازانه می‌نویسد: «بله، رسم روزگار چنین است!».

«کلکسیونر» نوشته «جان فاولز» تنها با دو شخصیت اصلی و محدود کردن فضای رمان به یک لوکیشن مرکزی، نمونه‌ای بی‌نظیر از خلق پیچیدگی دراماتیک در روابط انسانی است. نویسنده از این محدودیت‌ها برای عمق دادن به رابطه میان فردریک و میراندا استفاده می‌کند و با تغییر نقطه دید در فصل‌های مختلف، ذهن و قضاوت خواننده را به چالش می‌کشد. هراسناک است که معصومیت چطور به‌تدریج از دست می‌رود و زیرزمین مخوف خانه فردریک چاه بی‌انتهای خشونت می‌شود.

قول می‌دهم که پیشنهادهای سینمایی‌ام را محدود کنم به فیلم‌های چند سال اخیر و فیلمسازان شرق آسیا. «ممواریا» فیلم تازه «ویراستاکول» هیجان‌انگیز است، هر چند تماشایش صبر و حوصله می‌خواهد. «بی گان» فیلمساز نوظهور چینی هوش و حواس بیننده را در «سفر طولانی روز در شب» مسخ می‌کند؛ فیلم از نیمه به بعد خلسه‌ای تمام نشدنی است از تصاویر دوربینی که پرسه می‌زند، می‌چرخد و حتی پرواز می‌کند! نمی‌دانم جادوی قلم «موراکامی» است که «سوزاندن» این‌طور با آدم می‌ماند (فیلم اقتباسی از داستان اوست) یا هنر فیلمسازی «لی چانگ-دونگ» که لحظه‌ای معمولی از زندگی را به قابی فراموش‌نشدنی تبدیل می‌کند. «شانس کور» (کریستف کیشلوفسکی)، «خورشید ابدی یک ذهن بی‌آلایش» (میشل گوندری) و «نیویورک، جز به کل» (چارلی کافمن) اینها را همیشه و همه جا باید پیشنهاد بدهم تا به خودم دینی نداشته باشم! این قولی مهم‌تر از قولِ قبلی است.

از سریال‌ها هم پیشنهادم دو سریال با تکنیک‌های مختلف انیمیشن از هنرمندی است که آدم در مواقع ناامیدی به او حسادتِ محض می‌کند و وقتی کیفش کوک‌تر است به خلاقیت او غبطه می‌خورد. «بوجک هورسمن» و «انجام‌نشده» دو سریال عجیب، پرکشش و دیدنی از خالق خلاقی به نام «رافائل باب وکسبرگ» است.

درس‌هایی از فضایل و کرامت‌های رضوی(۳)

مراقبت از آبرو و کرامت درماندگان

آیین

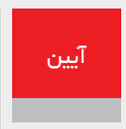

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

کرامت از دیدگاه اسلام مفهومی عام و شامل نوع بشربوده، حتی کافران و مشرکان را نیز دربر می‌گیرد. کلام وحی بر این مفهوم صراحت داشته و ضمن قائل بودن به کرامتی ذاتی برای انسان، آحاد بشر را مکلف می‌نماید تا وظیفه تکریم یکدیگر را به‌عنوان حقی مسلم گردن نهاده و آداب و ملزومات آن را به‌نحوی شایسته بجا آورند. براین منوال مکتب آسمانی اسلام، انسان را در به کار انداختن استعدادها و نیروهای درونی خود در مسیر رشد و کمال برانگیخته و به تکاپو وامی‌دارد تا به ارجمندی‌های غایی فلسفه خلقت دست یابد.

مرور اجمالی برخی از ابعاد کرامت انسان در سیره عملی و گفته‌های امام علی بن موسی‌الرضا(ع) بیانگر آن است که یکی از نکته‌های اساسی که باید به آن پرداخت، تعیین خاستگاه و منشأ کرامت انسان و راه‌های رسیدن به آن، در کلام و سیره رضوی(ع) است.

بر پایه میراث برجای مانده از امام رضا(ع) یکی از راه‌های دستیابی به کرامت، پیروی از دستورات الهی وتعالیم قرآن کریم است. ابراهیم بن عباس یکی از یاران آن حضرت(ع) در این رابطه نقل می‌کند: «من هرگز ندیدم که امام رضا(ع) کسی را با سخن خود رنجانده و هرگز ندیدم که او سخن کسی را قطع کرده باشد...» آن حضرت حتی در پاسخ دشمنان که می‌خواستند از طریق اتهام به ایشان توهین روا دارند، با سعه‌صدر مورد اتهامی را رد کرده و آن را در عداد ستم‌هایی برمی‌شمرد که در حق‌شان روا داشته می‌شود.» (معروف الحسنی، ج۲: ۳۶۷).

یکی دیگر از راه‌های کسب کرامت در گفتار امام رضا(ع)، انجام عبادات است. امام(ع) در یک مورد با ذکر فضایل روزه‌داری و اعمال ماه شعبان به عنوان مصداق اطاعت و بندگی می‌فرماید: «کسی که یک روز از روزهای ماه شعبان را روزه بدارد خداوند پاداش آن را بهشت وعده داده و کسی که استغفار کند در هر روزماه شعبان هفتاد بار، در روز قیامت در زمره امت رسول‌الله(ص) محشور شده و واجب شود از جانب خدای تعالی کرامت برای او و هر که تصدق کند در شعبان به صدقه و اگر چه به یک خرما باشد، حرام گرداند حق تعالی جسد او را بر آتش...» (محدث اربلی ج۳: ۱۲۳).

در نقطه مقابل یکی از موقعیت‌هایی که عزت‌نفس و کرامت انسان‌ها تهدید می‌شود، هنگامی است که فرد متمکن در شرایط ویژه نیازمند مبلغ اندکی شود. معمولاً مطرح کردن نیاز و درخواست کمک از سوی چنین افرادی برای‌شان گران و دشوار است! این اشخاص افزون بر تحمل فقر و ناداری از آشکار شدن نیازشان نزد دیگران سخت نگران و از نقصان کرامت و عزت خود بس رنجور می‌شوند. توصیه امام رضا(ع) برای حفظ کرامت انسانی در چنین مواقعی در گزارش یسع بن حمزه این‌گونه آمده است: «به همراه جمعیت فراوانی در محضر امام رضا(ع) بودم و با ایشان گفت‌وگو می‌کردم. مردم نیز از احکام شرعی و حلال و حرام می‌پرسیدند. در این میان شخص بلندقامت و گندم‌گونی وارد شد. پس از عرض سلام، خود را معرفی کرد و گفت از شیعیان شما هستم که از دیار خود به حج مشرف شده‌ام و اکنون خرجی راهم را گم کرده‌ام. از شما درخواست کمک دارم تا به شهرم برسم و چون مستحق دریافت صدقه نیستم، پس از رسیدن به دیارم آن مبلغ را از طرف شما صدقه خواهم داد.

امام(ع) با تعبیر شیرین و دلنشین «رحمک الله» از او تفقد نمود و از وی خواست تا بنشیند. قدری گذشت و افراد حاضر در جلسه ـ جز سه نفر ـ از مجلس برخاستند و رفتند. در این هنگام، حضرت از افراد حاضر رخصت خواست و به اتاق دیگر رفت. پس از لختی، دستان مبارک‌شان را از بالای در خارج نمودند و فرمودند: خراسانی ـ فرد درخواست کننده ـ کجاست؟ عرض کرد: اینجا هستم. فرمود: این دویست دینار را بردار و برای سفر و نیز دیگر مخارج صرف نما و لازم نیست از سوی من صدقه دهی. اکنون بیرون برو تا همدیگر را نبینیم! یکی از حاضران پرسید: فدایت گردم، بدو نیکی کردید و مبلغ زیادی بخشیدید. چرا روی از او پنهان نمودید؟ فرمود: از دیدن نشانه‌های خفت و کوچکی ـ به خاطر درخواست کمک ـ در چهره او بیم داشتم! مگر سخن گهربار رسول گرامی خدا(ص) را نشنیدی که فرمود هر که نیکی خود را بپوشاند، پاداش او برابر هفتاد حج است» (کلینی، ج ۴: ۲۴).

به رفتار امام خوب توجه شود که به شایستگی رنج او را دریافتند و ملاحظه حال او را نمودند و از او خواستند تا همدیگر را نبینند تا مبادا از این مواجهه کرامت انسانی آن فرد مخدوش شود.

عکس نوشت

چشمه‌های زیبای «باداب سورت» که به چشمه‌های رنگی معروف هستند، دومین اثر طبیعی ملی ایران بعد از کوه دماوند محسوب می‌شود و علاوه بر زیبایی خاص، ارزش درمانی بسیار بالایی دارد.
چشمه‌های « باداب سورت» در استان مازندران، جنوب شهرستان ساری، بخش چهاردانگه، دهستان پشت کوه، روستای سورت، حدفاصل روستاهای اروست و مال خواست قرار دارد.
باداب به معنی آب گازدار و سورت به معنی شدت اثر است. /مهر